ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ▪ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ▪ مدیرمسئول: علی عالی ▪ تلفن: ۱۴ـ۸۸۵۰۴۱۱۳ ▪ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ▪ سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ـ۸۸۵۰۱۳۰۰
ـ۸۸۷۴۶۵۸۳ ▪ انتشارات: ۵و۸۸۵۴۸۸۹۲ ▪ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ـ۸۸۵۲۱۹۵۴ ▪ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸/صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ▪ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 13 12 45 3000

سه شنبه ۲۳ دی ۱۳۹۹ - شماره ۶۶۷۴

WWW.INN.IR

info@inn.ir

فوتبال ژورنال

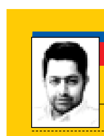

رسول مجیدی

دربی و جملات سحرآمیز قدیمی

معلوم نیست در جمله «هر تیمی قبل از دربی وضعیت بهتری داشته باشد، در دربی به مشکل می‌خورد» چه سری وجود دارد که اغلب اوقات درست از آب درمی‌آید. پیروزی‌های هفته‌های اخیر استقلال و بخصوص نمایش خوب‌شان در آخرین بازی مقابل آلومینیوم اراک، هواداران این تیم را امیدوار کرده بود تا به یک پیروزی دلچسب در دربی برسند و اولین شکست فصل پرسپولیس را به رقیب دیرینه تحمیل کنند. بازی هم برای آنها خوب شروع شد. عالی شروع شد. آنها هنوز دقیقه شمار بازی به دو نرسیده بود، گل اول بازی را به ثمر رساندند. انگار قرار بود یک دوشنبه تاریخی برای‌شان ثبت شود. پرسپولیس در خط حمله چنگ و دندان لازم را نداشت. عبدی جوان که خیلیٍ وقت‌ها جلوی دروازه هول می‌شود، به همراه امیری که اصلاً پستش آنجا نیست، گزینه‌های هجومی سرخ‌ها در دربی بودند و سه هافبک دفاعی همزمان به زمین آمده بودند؛ احمد نوراللهی، سرلک و کمال کامیابی‌نیا.

اما دقایق آتی نشان داد که این خوشبینی استقلالی‌ها با واقعیت درون ورزشگاه آزادی تفاوت دارد. پرسپولیس رفته به رفته بهتر بازی کرد و موقعیت ساخت. شاید در نیمه اول این موقعیت‌ها آنچنان کاری نبودند و نهایتاً به دو فرصت گلزنی رسیدند اما در نیمه دوم شرایط کاملاً برای تیم پیشتاز نگران‌کننده شد. تعویض احمد موسوی با شیخ دیاباته نشان از این داشت که فکری می‌خواهد بازهم تیمش به گل برسد اما روند بازی نشان می‌داد که این پرسپولیس است که در ۱۵ دقیقه استراحت بین دو نیمه، بهتر برای ۴۵ دقیقه دوم آماده شده. پرسپولیس در این نیمه با کیفیت‌تر و حرفه‌ای‌تر بازی کرد و به ۲ گل رسید و به چند گل هم نرسید. شاید اگر یک مهاجم شش‌دانگ در خط حمله این تیم وجود داشت، نتیجه بازی متفاوت‌تر از این می‌شد و فکری و شاگردانش شکست تلخی را تجربه می‌کردند. یحیی به خوبی موفق شده بود فضای پشت مدافعان استقلال در مواقع مالکیت توپ آنها را به شاگردانش نشان دهد و از همین فضا هم موقعیت‌های خطرناک پرسپولیس بوجود آمد.

دربی دوشنبه برنده نداشت اما چند نکته مهم داشت. اول نشان داد که پرسپولیس همچنان یکی از مدعیان اصلی فتح جام است. مسأله دیگر موقعیت‌سازی پرسپولیسی‌ها بود و هویدا شدن دوباره مشکل نداشتن یک گلزن قهار. گرچه عبدی در بازی دیروز گل زیبا و مهمی زد اما شاید اگر کمی تجربه بیشتری داشت، می‌توانست در این بازی هت‌تریک کند. او البته آینده خوبی دارد اما نمی‌تواند بار خط حمله تیم پرسپولیس را به تنهایی به دوش بکشد. مسأله آخر هم این بود که استقلال هنوز با فکری جای کار دارد. اگر گل دقیقه آخر مهدی قائدی در بازی دیروز نبود، قطعاً فکری باید با انتقادات زیادی رو به رو می‌شد. گرچه همین الان هم شاید کیفیت بازی استقلال هواداران را راضی نکرده باشد.

برگردیم به جمله سحرآمیز اول یادداشت. از این جملات سحرآمیز البته کم نداریم. از جمله اینکه «تیمی که گل نزنه، گل می‌خوره». پرسپولیسی‌ها امروز معنا و رمز و راز این جمله را احتمالاً بهتر درک می‌کنند.

گزارش آخر

علی بابازاده

آیا سلطه یوونتوس بر «سری آ» به پایان رسیده؟

تکراری‌ترین خبر سالیان اخیر دنیای فوتبال، مختص به لیگ ایتالیا و سری آ می‌باشد؛ یکنواخت‌ترین لیگ سالیان اخیر اروپا طی فصول گذشته قهرمانی به جز یوونتوس به خود ندیده و سری آ با سرعتی شگفت‌آور به سمت «بوندس‌لیگا» بودن و تک قطبی شدن قدم برمی‌دارد! گورخرها با ثبات مدیریتی و جذب بازیکنان باکیفیت توانسته‌اند سالیان طولانی سلطه خود را بر سری آ ادامه دهند و قهرمان بلامنازع لقب بگیرند؛ طی ۳ دوره آنتونیو کونته، ماسیمیلیانو آلگری و مائوریتزیو ساری راه‌راه‌پوشان تورین نتایج خیره‌کننده‌ای را کسب کرده‌اند و لیگ ایتالیا حد فاصل سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۲۰ تیمی به جز یوونتوس را بر مسند قهرمانی ندیده.

با این همه گویا شرایط این فصل از رقابت‌ها متفاوت است و سایر مدعیان در تلاشند تا به هر نحو که شده به مقام قهرمانی سری آ دست پیدا کنند و مانع از اول شدن مجدد بانوی پیر شوند. آث میلان با استفانو پیولی جدی‌ترین رقیب یوونتوس در این راه پرپیچ و خم به حساب می‌آید و یقیناً اینتر با آنتونیو کونته نیز از هر فرصتی برای صدرنشینی استفاده خواهد کرد.

ایوان گازیدیس مدیراجرایی باشگاه میلان معتقد است پروژه ساخت میلان جدید کلید خورده و این همان تیمی است که توان به زیرکشیدن هر رقیبی را داراست؛ «طی ۱۸ ماه اخیر همواره بر این فکر بوده‌ایم که چطور می‌توانیم تیم را تقویت کنیم و چگونه می‌شود یک میلان جدید و قدرتمند را ساخت. میلانی که همه ما عاشقش هستیم و توان شکست هر حریفی را دارد!»

حالا پس از یک سال و ۶ ماه به نظر حرف‌های گازیدیس رنگ و بوی واقعیت به خود گرفته؛ میلان با استفانو پیولی به تنهایی صدرنشین لیگ ایتالیاست و هماهنگی بین بازیکنان، کادرفنی و حتی مدیریت هفته به هفته بیشتر می‌شود. گازیدیس زمانی این مصاحبه را انجام داد که باشگاه زیر نظر جامپائولو فعالیت داشت؛ مارکو نتوانست جاه‌طلبی و عطش موفقیت را در بین بازیکنان ایجاد کند؛ میلان تحت هدایت او در ۷ مسابقه لیگ ۴ بازی را با شکست پشت سرگذاشته بود و راهی جز برکناری باقی نمانده بود. با این همه نکته جالب اینجاست که آمار ۶ بازی ابتدایی پیولی حتی از جامپائولو نیز بدتر بوده؛ پیولی طی ۶ مسابقه ۵ و مارکو جامپائولو ۶ امتیاز را به دست آورده بودند ولی با این همه اعتماد مدیران بالا رده میلان به استفانو پیولی جواب داده و روسونری بعد از درخشش هفته‌های اخیر بخت اول قهرمانی به حساب می‌آید. برد در مقابل تورینو، شکست برابر یوونتوس را به دست فراموشی سپرد و یادمان نرود که جز باخت برابر یووه، روسونری طی ۱۲ بازی اخیر خود در مسابقات مختلف طعم شکست را نچشیده!

«من با ارزش‌های متفاوتی بزرگ شده‌ام و در فرهنگ من کار و تلاش اهمیت دارد نه انتقام گرفتن. من فقط باید خودم را اثبات کنم. احساس کامل بودن دارم اما می‌دانم که می‌توانم کارهای بیشتری انجام دهم و اهداف بزرگی در سر دارم. بازگشت به لیگ قهرمانان یکی از هدف‌های مشترک من و تیم مدیریت است. من به همراه مالدینی، ماسارا و گازیدیس به خوبی آگاه هستیم که باید همه کار بکنیم تا میلان را به جایی که باید در آن باشد برگردانیم و آنجا لیگ قهرمانان است. میلان برای مدتی طولانی از این رقابت دور بوده است و حالا زمان بازگشت فرا رسیده!» میلان در راه پایان دادن به سلطه یوونتوس تنها نیست؛ بانوی پیر هنوز با آندره پیرلو نتوانسته فرم ایده‌آل خود را پیدا کند و به روزهای اوج بازگردد! در چنین شرایطی بازنگری جدول کمک شایانی به علاقه‌مندان سری آ می‌کند؛ جدای از میلان صدرنشین، اینتر با آنتونیو کونته، رم با پائولو فونسکا و آتالانتا با گاسپرینی هم از دیگر مدعیان قهرمانی به حساب می‌آیند. یوونتوس فصل گذشته نیز تا هفته‌های پایانی رقابت تنگاتنگی با اینتر داشت و حالا به نظر فرصت آن رسیده که در فصل جاری سایر مدعیان بتوانند از غفلت یوونتوس بهره لازم را ببرند و قهرمانی در سری آ را به نام خود ثبت کنند!

عکس روز

روزی که فوتبال به حیاط خلوت آمد

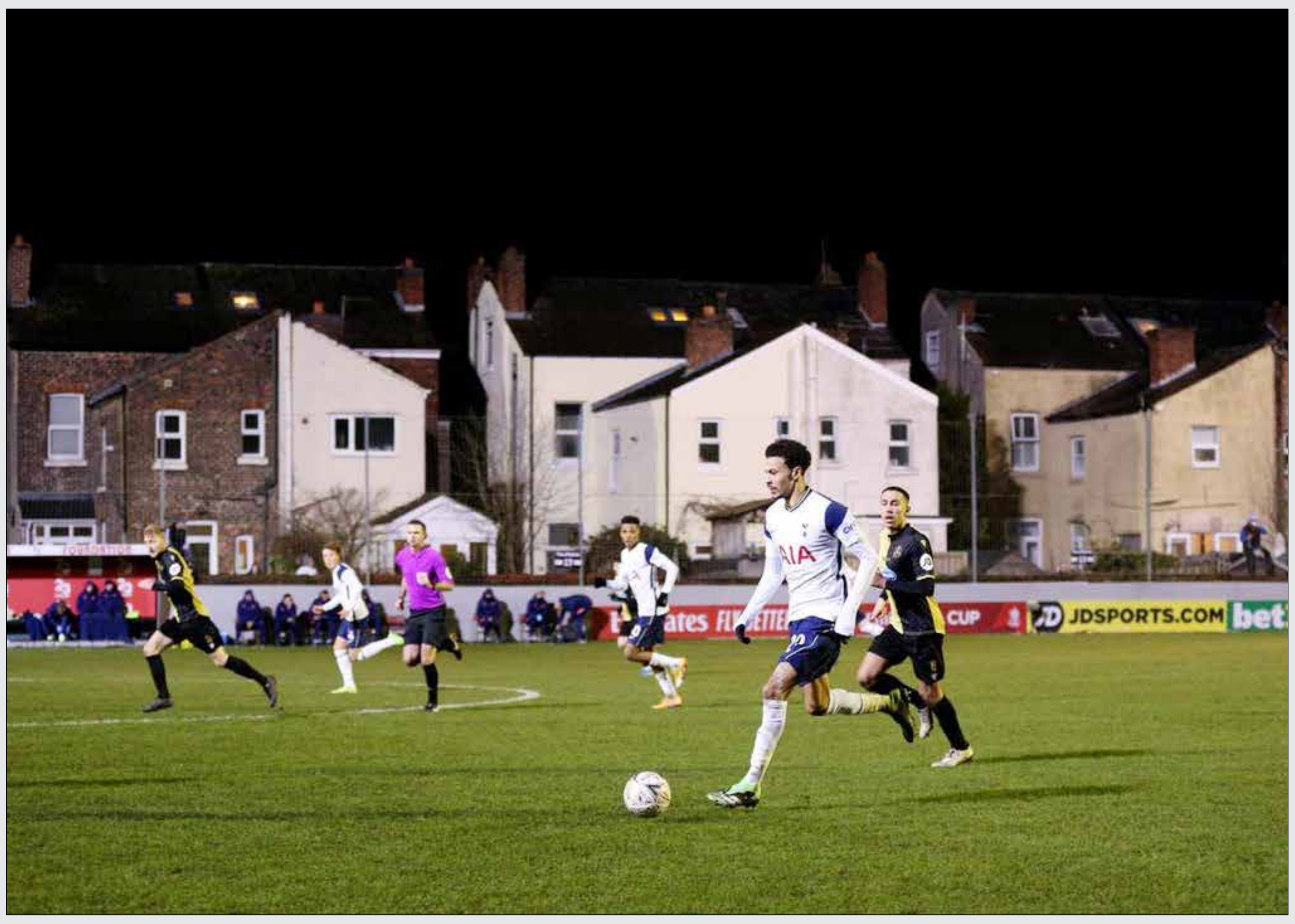

بازی یکشنبه تاتنهام و مارین در جام حذفی انگلستان از آن بازی‌های تاریخی بود. مارین در سطح هشتم فوتبال انگلیس قرار دارد و تاتنهام یکی از مدعیان سطح اول است. این شاید تاریخی‌ترین بازی باشگاه مارین بود. آنها میزبان تیمی بودند که آقای خاص روی نیمکت شان می‌نشست و گرت بیل، یکی از گران قیمت‌ترین بازیکنان دنیا را در اختیار داشت. نکته جالب زمین بازی مارین بود که دقیقاً در بین خانه‌های مردم شهر قرار داشت. یک روزنامه انگلیسی دیروز در این باره تیتر زده بود: «وقتی مورینیو و شاگردانش به حیاط خلوت ما آمدند». اشاره جالبی داشت به اینکه مردم مارین می‌توانستند از حیاط پشتی خانه شان زمین و بازی را تماشا کنند. تاتنهام این بازی را ۵ بر صفر برد.

کاریکاتور

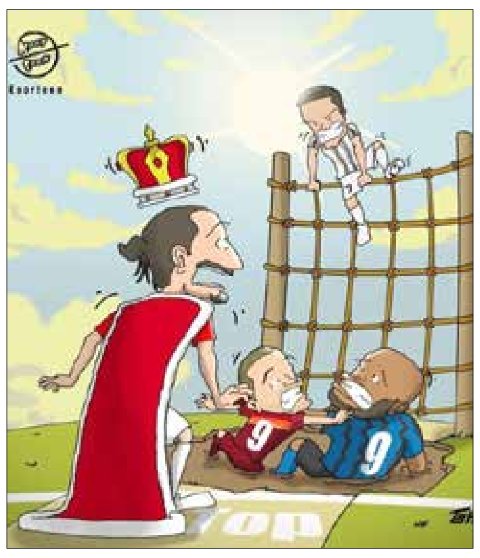

سری آ از همیشه جذاب‌تر شده. یوونتوس که تا اینجای کار جدال صدرنشینی را به تیم‌های شهر میلان و حتی رم باخته بود، با پیروزی‌های پیاپی‌اش در هفته‌های گذشته دوباره خودش را در مهمانی بالانشین‌ها می‌بیند.

رونالدو از همیشه مصمم‌تر به نظر می‌رسد و حالا زلاتان و دیگران در ایتالیا احساس خطر می‌کنند.

در چنین روزی

۲۳ دی ۱۳۸۴

خداحافظی عابدزاده از فوتبال

احمدرضا عابدزاده دروازه‌بان سابق تیم فوتبال ایران در دیدار دوستانه تیم‌های پیروزی تهران و بایرن مونیخ آلمان از دنیای فوتبال خداحافظی کرد. عابدزاده با بدرقه بازیکنان و کادرفنی تیم پیروزی تهران پس از زدن دور افتخار در ورزشگاه آزادی، از دنیای فوتبال کنار رفت.

محمدحسن انصاری‌فر مدیر عامل باشگاه پیروزی تهران در مراسم خداحافظی عابدزاده، با اهدای لوح یادبود و حلقه گل از زحمات این دروازه‌بان خوب کشورمان در مدت ۷ سال حضورش در باشگاه پیروزی تهران قدردانی کرد.

عابدزاده آخرین بازی ملی خود را روز ۴ تیرماه سال ۱۳۷۷ مقابل تیم ملی فوتبال آلمان در جام جهانی ۱۹۹۸ انجام داد.

چهار قهرمانی با تیم پیروزی تهران و دو قهرمانی با تیم استقلال در لیگ فوتبال ایران و قهرمانی جام باشگاه‌های آسیا با تیم استقلال تهران در سال ۱۹۹۰ از مهم‌ترین افتخارات این فوتبالیست کشورمان به شمار می‌رود.

همچنین رکورد ۷۶۰ دقیقه بسته نگه داشتن دروازه، از دیگر افتخارات این دروازه‌بان بزرگ تاریخ فوتبال کشورمان محسوب می‌شود.

نفر به نفر

سامان موحدی راد

نام‌های تکراری، اتفاقات تکراری

ویرانه فوتبال ویرانه‌تر می‌شود؟

انتخابات فدراسیون فوتبال ایران با ثبت‌نام ستار عبدی‌پور می‌توانست حداقل صاحب یک کاندیدای جدید و متفاوت باشد اما این شانس از فوتبال ایران گرفته شد تا یک روحانی با سابقه علاقه به تألیف سه کتاب فوتبالی کاندیدای رسیدن به صندلی ریاست باشد. به این ترتیب ما ماندیم و چند نام تکراری که همه در آزمون مدیریت در فوتبال ایران تجربه‌های ناگواری دارند. در این میان تنها این علی کریمی است که سابقه مدیریت فوتبالی ندارد اما همه می‌دانیم که این چهره دوست داشتنی زمین فوتبال در بیرون زمین چقدر غیرقابل پیش‌بینی، زودرنج و خام است و احتمال اینکه او هم بتواند فوتبال ایران را سروسامان دهد کم است. با این حال به نظر می‌رسد همین نیالوده بودن او به لباس مدیریت در کنار محبوبیت فوتبالی‌اش علی کریمی را به یکی از چهره‌های مهم این انتخابات تبدیل کرده است. اما چه علی کریمی برای ریاست شانس داشته باشد یا نداشته باشد باید نگران حال فوتبال ایرانی بود. فوتبالی که در این چهار دهه یک مدیر، یک چهره تصمیم گیر و تصمیم‌ساز و شکل دهنده ساختار واقعی در فوتبال ایران پرورش نداده و کارش به جایی رسیده که باید بین حیدر بهاروند و مصطفی آجرلو برای ریاستش انتخاب صورت بگیرد. خیلی‌ها تصور می‌کردند زلزله‌ای که قرارداد مارک ویلموتس در فوتبال ایران ایجاد کرده موجب شود که فوتبال ایرانی سرانجام از زیر آوار بنایی نو و تازه پدید بیاورد. اما یک سال بی خبری از فدراسیون فوتبال ایران و تلاش‌های فیفا برای آوردن مدار سازمانی فوتبال ایران به چرخه حرفه‌ای هم موجب نشد تا نهایتاً شاهد اتفاقی نو برای آن باشیم. همین است که با اسم‌های تکراری احتمالاً باید منتظر روی دادن اتفاقات تکراری هم باشیم و ای بسا پنج سال بعد همه گرد ویرانه‌ای که از یک قرارداد دیگر در سایه رفتار غیرحرفه‌ای شکل گرفته جمع شویم و ابراز ناراحتی کنیم.

تک به تک

سام ستارزاده

کریمی در محاصره ناکارآمدها

یک داوور شوکر و دیگر هیچ

بالاخره شمارش معکوس برای انتخابات فدراسیون آغاز شد؛ اتفاقی که از سال گذشته (همین مواقع) منتظر رخ دادنش بودیم؛ بی‌آن‌که بدانیم سرنوشت فوتبالمان مدت درازی با مدیرانی با برچسب موقت و بدون برنامه گره خواهد خورد. ماجرای اساسنامه دروغین و کشمکش چندماهه برای اصلاح آن، هرچند معادلات انتخابات را برهم زد و فرصت را به چهره‌های نوظهوری داد، اما نشان‌داد که سردمداران اصلی فوتبال کشور و تعیین‌کنندگان پیروز انتخابات، تا چه اندازه نسبت به تغییرات سازنده که به متخصصین این حوزه فرصت مشارکت می‌دهند، بی‌تمایل هستند. علی کریمی با وجود عدم بهره‌وری از تجربه کافی در زمینه باشگاه‌داری و مدیریت ورزشی، که به یک دوران سیاه در سپیدرود خلاصه می‌گردد، جذاب‌ترین کاندیدا برای پیروزی در انتخابات به‌شمار می‌رود. اما در اختیار داشتن ۱۵ رأی از ورزشی‌های مجمع، به‌تنهایی پای او را به ساختمان شیخ‌بهایی باز نمی‌کند. حقیقت تلخی که با آن روبه‌رو هستیم این است که رئیس آینده فدراسیون فوتبال ایران، به‌دست افرادی تعیین می‌شود که اکثریتشان جزئی از بازیگران داستان‌های سیاه چند سال اخیر مدیریت ورزشی کشور بوده‌اند. از میان سایر گزینه‌ها، حیدر بهاروند که فاجعه خروج تیم ملی بانوان ایران از رنکینگ فیفا و پلمپ ساختمانی که برای صندلی ریاستش می‌جنگد، دستاوردهای یکساله مدیریت موقتش بوده‌اند، با شهاب‌الدین عزیزی خادم در یک جبهه قرار گرفته‌اند. نائب‌رئیس مصطفی آجرلو که در دوران تاریک مدیریتش در استیل آذین و تراکتور، تیغ انتقادات متوالی حتی روی صندلی خالی‌اش نیز گرفته می‌شد، سعید فتاحی‌ای است که عملکرد فجیعش در تأمین امنیت بازی‌های لیگ حکم محرومیت خورد. کیومرث هاشمی که ۱۵ سال قبل با ورودش به فدراسیون، فرآیند تعلیق فوتبالمان را کلید زد، با غلامرضا بهروانی که ریاست سابق سازمان لیگ بود، به عرصه انتخابات پای گذاشته‌است. به غیر از علی کریمی و ستار عبدی‌پور روحانی ناشناس، در کارنامه باقی نمایندگان برای اتخاذ صندلی‌های ساختمانی که شاید به‌زودی مالکی جدید پیدا کند، سابقه ریاست یا مدیریت سازمان لیگ و یا فدراسیون دیده می‌شود؛ دو رکن فوتبال ملی و باشگاهی کشور که سال‌به‌سال شاهد افت و حتی فروپاشی آنها هستیم.

در شرایط فعلی، رأی‌آوردن علی کریمی و قدم نهادن او در راهی که داوور شوکر، کاپیتان سابق و رئیس فدراسیون فعلی فوتبال کرواسی طی‌کرده، یک راه دشوار، ولی تنها راه امیدواری ممکن برای آینده مدیریتی و ساختاری فوتبال ایران به‌نظر می‌رسد.

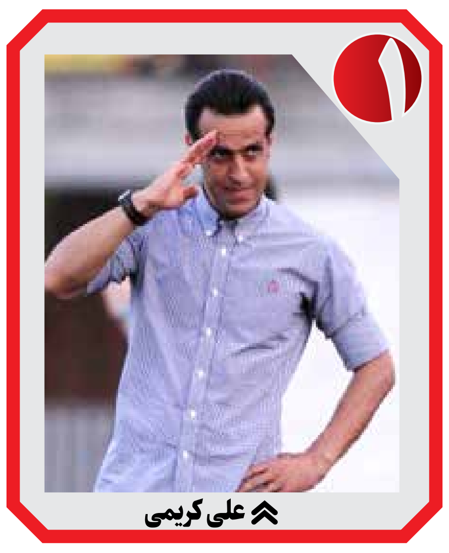

علی کریمی

گزارش یک

پرونده
SUN AI CARPET
www.sunaicarpet.co.jp

شمارش معکوس برای انتخابات پرحاشیه

با فلانی تا ۱۴۰۳!

میعاد نیک

شوی تبلیغاتی نامزدهای احراز کرسی ریاست فدراسیون فوتبال که از اینستاگرام آغاز و به کوچه سوم خیابان شیخ‌بهایی منتهی شده بود، غروب شنبه و با اتمام مهلت ثبت‌نام کاندیداها به‌پایان رسید تا روزهای حساس فوتبال ایران آغاز شود. مطابق انتظار ۵ نامزد برای تصاحب اتاق ریاست طبقه پنجم ساختمان فدراسیون فوتبال وارد رینگ پرتلاطم انتخاباتی شده‌اند، اما در خوشبینانه‌ترین حالت هم نمی‌توان افق روشنی را در حوالی فوتبال کشور متصور شد.

افرادی که برای پیروزی در مجمع انتخاباتی ۱۰ اسفندماه اعلام آمادگی کرده‌اند، هرکدام یا وابستگی‌های جناحی و سیاسی را درعقبه خود دارند و یا اصلاً در ابعاد مدیریتی و رهبری هیچ محلی از اعراب ندارند؛ کیومرث هاشمی و مصطفی آجرلو با پیشینه‌ای کاملاً سیاسی به‌دنبال اخذ کرسی عالی‌ترین نهاد فوتبالی کشور هستند و علی کریمی هم بدون هیچ‌گونه سابقه مدیریتی موفق و مستدل دوست دارد برای مبارزه با فساد در فوتبال به این صندلی دلفریب و تحریک آمیز تکیه بزند.

کیومرث هاشمی

انتخابات فدراسیون‌های ورزشی هیچ‌گاه در فضای مجازی و در فن‌پیج‌های اینستاگرامی برگزار نشده و انتظار عجیبی است که پروپاگانداهای اینستاگرامی را بخواهیم در زمره رأی‌های مجمع انتخاباتی فدراسیون فوتبال قرار دهیم.

علی کریمی به‌عنوان بهترین فوتبالیست تاریخ ایران پس از انقلاب همواره خاطره‌های خوشی برای ما ساخته و جادوگری‌هایش در لباس سپید تیم ملی و در تیم‌های بوندس‌لیگای آلمان هرگز فراموش نخواهد شد؛ اما مگر تکنیک فوتبالی و قریحه بازیگری معیار مناسبی برای رها ساختن فدراسیون فوتبال از این منجلاب فساد، سوءمدیریت و ساختارگریزی‌ست؟ گرچه کریمی تیم نواب رئیسی خود را احتمالاً با مشورت‌های سازنده به شکلی قابل قبول ترسیم کرده، اما شانس او برای تحقق شعار فوتبال پاک در این انتخابات بسیار کم است، کسی که هنوز هم در روابطش با یک کارگزار معروف تشکیک و تردید وجود دارد.

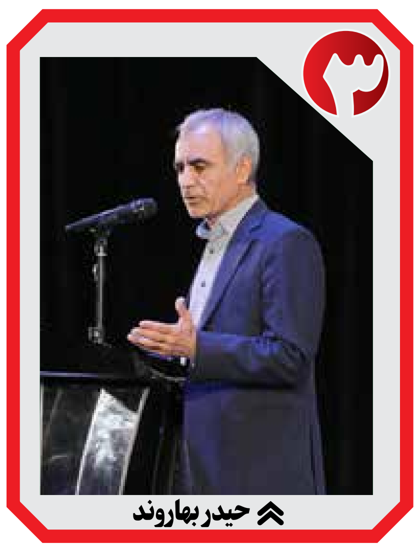

حیدر بهاروند

کیومرث هاشمی که یکی از بدترین نتایج اداری، مدیریتی و ورزشی تاریخ المپیک ایران را در دوران ریاستش برکمیته ملی المپیک پدید آورد، مشخص نیست که با کدام رزومه موفق مدیریتی سودای رسیدن به ریاست فدراسیون فوتبال را دارد. او که پس از افتضاح المپیک ریو نتوانسته دیگر در بازی‌های مدیریتی ورزش جا بگیرد، به پشتوانه حمایت‌های سیاسی و دستورات غیرفوتبالی به رینگ انتخابات آمده تا زمام امور فوتبال کشور را در حساس‌ترین روزهای تاریخ در دست بگیرد. هاشمی که اتفاقاً شانس پیروزی‌اش در مجمع ۱۰ اسفندماه اصلاً کم نیست، می‌تواند به وزنه‌ای برای چرخش آرای خاکستری تبدیل شود و با لابی‌های مثمرثمر به کرسی ریاست هم برسد؛ رئیسی با حمایت احزاب اصولگرا و تماماً غیرفوتبالی.

شهاب‌الدین عزیزی خادم

اما مهم‌ترین ائتلاف انتخاباتی و حائز اهمیت‌ترین شانس پیروزی بین حیدر بهاروند و شهاب‌الدین عزیزی‌خادم قرار گرفته؛ جایی که یک انصراف حمایتی می‌تواند از شکستن کمر آرای مجمع جلوگیری کند و یک نفر از این لیست دونفره را برای ۴ سال به‌عنوان رئیس فدراسیون فوتبال به ساختمان کوچه سوم بفرستد.

نهایتاً مصطفی آجرلو باز به گود انتخابات آمده تا احتمالاً با ۲ یا ۳ رأی مأخوذه‌اش ادعای مهندسیِ انتخابات را داشته باشد؛ ادعایی که مطمئناً حقیقت خواهد داشت امانه برای شما سردار، مهندسی‌ها را برای خروج شما از گود رقابتی حرام نمی کنند .

> **مطابق انتظار ۵ نامزد برای تصاحب اتاق ریاست طبقه پنجم ساختمان فدراسیون فوتبال وارد رینگ پرتلاطم انتخاباتی شده‌اند، اما در خوشبینانه‌ترین حالت هم نمی‌توان افق روشنی را در حوالی فوتبال کشور متصور شد**

سوژه

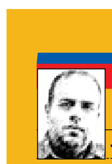

فرشاد کاس‌نژاد

برنامه نامزدها چیزی در حد حرف

مصطفی آجرلو

برنامه نامزدهای انتخابات فدراسیون فوتبال همان چیزی است که در گیر و دار انتخابات در حرف مطرح است اما در عمل انگار کسی منتظرش نیست.

دوره‌های پیشین انتخابات فدراسیون فوتبال نیز برنامه نامزدها چیزی شبیه به یک شوخی بود. در دفترچه‌ای کوچک بدیهیاتی را می‌نوشتند و به عنوان برنامه به اعضای مجمع تقدیم می‌کردند. بعید است که اعضای مجمع حتی چند خط از آن برنامه‌ها را خوانده باشند. آنها می‌دانستند قرار است به چه کسی رأی دهند و برنامه نامزدها یک دلیل از صد دلیل رأی دادن آنها به نامزد مورد نظر نبود.

این روزها نامزدها از برنامه‌ای حرف زده‌اند که ارائه خواهند داد. اغلب این برنامه‌ها را یکی از نزدیکان نامزدها که نوشتن به زبان فارسی را تا اندازه‌ای بلد باشد، با سرچ و کپی و چند نکته بدیهی می‌نویسد و منتشر می‌کند. همان کاری که در انتخابات فدراسیون‌ها و هیأت‌ها بارها دیده‌ایم. برنامه ساده و بدیهی و پر از کلی‌گویی را در چندین انتخابات با تغییر تاریخ‌ها دیده‌ایم که از طنزهای انتخابات است.

برنامه نامزدهای انتخابات فدراسیون هر چه باشد، به ضمانت اجرایی نیاز دارد. اجرای این برنامه‌ها را پیشینه نامزدها نیز می‌تواند ضمانت کند، اما این نامزدهای ریاست فدراسیون فوتبال با پیشینه‌ای که در مدیریت ورزش دارند یا ندارند، نمی‌توانند تضمین‌کننده برنامه‌ای باشند که آینده را چندان بهتر از آنچه قابل پیش‌بینی است، تصویر کند.

بحران‌های اقتصادی فدراسیون فوتبال بخصوص با قرارداد مارک ویلموتس مهم‌ترین دغدغه فدراسیون در آینده نیست. ناکامی فرضی تیم ملی در راه جام جهانی نیز گریبان رئیس بعدی فدراسیون فوتبال را نمی‌گیرد. فدراسیون از این مراحل با قرض و کمک دولتی، ناکامی یا موفقیت گذر می‌کند اما هیچ‌کدام از نامزدهای فدراسیون جز در همین موضوعات، مورد پرسش قرار نمی‌گیرند. آینده فوتبال اگرچه به همین موضوعات گره خورده است اما برای مدیریت فوتبال در وضعیت امروز باید گره‌ها را باز کرد، راه‌های تازه پیدا کرد و مسیرهای تازه‌ای را پیمود وگرنه شاید خیلی زود با روزگار سخت‌تری در فوتبال ایران مواجه شویم.

نامزدهای انتخابات فدراسیون در فاصله بیش از یک ماه تا انتخابات باید درباره آینده حرف بزنند، برنامه ارائه کنند و این برنامه‌ها با پشتوانه کارنامه نامزدها، ضمانت اجرایی داشته باشد. اما این حرف‌ها فقط در حرف معنا دارند و در واقعیت تعیین‌کننده در جریان انتخابات نیستند.